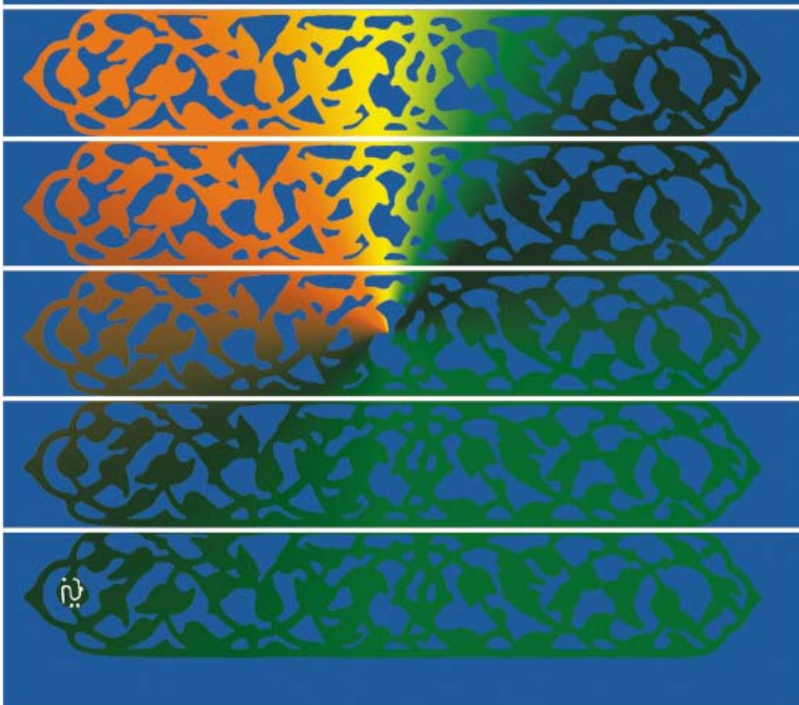


# دیدگاه‌های نوین بر رویف موسیقی ایرانی

دکتر علی‌زاده محمدی



### رابطه موسیقی ایرانی با زمان

تأثیر دوره‌های زمانی از ارتعاشات امواج بر روان انسان در فیزیک و نجوم و علوم روانی مورد بحث زیست‌شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته و اندیشه‌های گوناگونی را مجذوب خود ساخته است. با این توضیح که در دوره‌های زمانی خاص، ارتعاشات و سیاله‌های فضایی دارای ریتم و حالت موزون و مخصوصی هستند که رنگ و بوی موسیقایی دارند. در واقع این ارتعاشات در وجود آدمی احساس و حالات آهنگین را زمینه‌سازی و منعکس می‌سازد. در هر دوره زمانی احساس مایگی خاصی غالب و در واقع شناسایی این دوره‌های زمانی و تأثیر روانی آنها امری بسیار مهم و دشوار است. مایه‌های موسیقی در هر دوره مناسبترین هماهنگی ارتعاشی را با فرکانسهای سلولهای روانی و عصبی دارند و در واقع در هر دوره‌ای یک مایه بیشتر از سایر مایه‌ها (به لحاظ تطابق فرکانسی) به‌دل می‌نشیند و راه ارتعاش و انتشار را گشوده و امکان تخلیه و پالایش روانی را ممکن می‌سازد.

به نظر نگارنده مقصود از رابطه زمان با تأثیر موسیقی همان توارد و توافق ایام و دوره‌هایی از تأثیرات فضایی و سیاله‌های اثیری است که در هر مقطعی به صورت الگوی مدون، روان آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این الگوها با ارتعاشات فیزیکی مایه‌های موسیقی می‌تواند همخوانی داشته باشد و به این طریق زمان‌شناسی مشخصی را برای مایه‌های موسیقی در هر فرهنگ و دیاری مشخص سازد.

عنصر زمان در تأثیرگذاری موسیقی مشرق‌زمین نقش اساسی دارد. از آن‌جا که زمان بخشی از فضا است و مجزای از فضا وجود ندارد، می‌توان گفت موسیقی نیز که ذاتا با

عناصر فضا و زمان همراه است به سادگی می‌تواند با آنها هماهنگی و وحدت یابد. شایان ذکر است که از قدیم بسیاری از فلاسفه حتی پیش از دوره فیزیک جدید و نظریات انیشتین، زمان را ذاتی اشیاء و بعدی از وجود موجودات می‌دانستند و معتقد بودند که همه موجودات ذاتا زمانمند می‌باشند. زیرا همه موجودات ذاتا متحرکند. حرکت مانند حجم، صفت ذاتی پدیده‌هاست و از آنجایی که هیچ پدیده‌ای بدون حرکت و هیچ حرکتی بدون زمان نیست، زمان و حرکت را یکی دانسته و حرکت را زاییده فضا و ماده و وجود عینی، و زمان را نیز دارای ماهیت و کالبد واقعی دانسته‌اند.

برای مثال صدرالمتألهین فیلسوف بزرگ ایرانی در نظریه حرکت جوهری، زمان را عین وجود و در ذات اجسام می‌داند. از نظر صدرالمتألهین زمان ظرف مستقلی نیست که اشیاء و جریانهای زمان‌دار در آن جای گیرند، بلکه عین وجود آنهاست و چون حرکت نیز جزء ذاتی و واقعی اشیاست و عرضی نیست، هر شیء زمان مخصوص به خود دارد.

امروزه با نظریات جدید فیزیک، زمان به عنوان پرتو و جزیی از فضا پذیرفته شده و همانند بعدی از کالبد پدیده‌ها، از جمله وجود انسانی در نظر گرفته می‌شود. ما باید تأثیر روانی و فیزیولوژیک این پدیده را بپذیریم و قبول کنیم که زمان به صورت حرکت و نیرو در هر مقطعی اثراتی را بر حال و دل باقی می‌گذارد. این تأثیرها ناشی از حرکت خورشید، ستارگان و گردش زمین بر گرد خورشید و همچنین تأثیر صور فلکی است که در قالب دوره‌ها و الگوهای مشخص با ریتم و حالت خاصی منعکس می‌شود. در واقع زمان در هر مقطعی ریتم و ملودی خاصی را بر کره زمین منتقل و منتشر می‌سازد که درک و هماهنگی بشر با آن به نفع سازگاری اوست.

مایه‌های موسیقی ایرانی هم به لحاظ تنوع و هم به دلیل فواصل فیزیکی استعداد خاصی برای هماهنگی با ارتعاشات فضایی داشته و تناسب چشمگیری با خلق و خو و تغییرات فصلی و زمانی دارد.

عمدتا هماهنگی و هارمونی مایه‌های موسیقی با روحیه ایرانی به سبب توارد و توافق زمانی است. به عبارت دیگر تأثیر مایه‌های موسیقی ایرانی زمانی به اوج هماهنگی و توافق

می‌رسد که در وقت مناسب خود شنیده و یا نواخته شود.

## رابطه مقام‌های قدیمی موسیقی ایرانی و زمان (نظریه گذشتگان)

ارتباط مایه‌های موسیقی با ایام و اوقات مختلف خصوصاً ماههای سال زمانی شیوع یافت که منجمان و اخترشناسان، تأثیر ماه، خورشید، ستارگان و صور فلکی را بر خلق و خوی انسان بررسی کرده و از مایه‌های موسیقی به‌عنوان واسطه‌هایی هماهنگ با تأثیرات جوی و ارتعاشات سماوی یاد کردند. نظرات فلاسفه و متفکران پیشین، در عین پراکنده و ناموزون بودن، به ارتباط جدی میان مایه‌ها و گام‌های موسیقی با زمان و اوقات مختلف اشاره دارد. در مورد مایه‌های موسیقی ایرانی نیز چنین توجهی وجود داشته و در اکثر کتب موسیقی گوشه‌ها و مایه‌ها را با صور فلکی و همچنین اوقات و روزها مرتبط می‌دانسته‌اند. اگرچه نظرات به‌جا مانده از گذشتگان بسیار کلی است و جنبه کاربردی ندارد، اما ذکر مطالبی از آنها نشانگر توجه پیشینیان به این مقوله مهم است.

صفی‌الدین ارموی در بخشهای مختلف کتاب بهجت‌الروح به رابطه مقامات دوازده‌گانه با دوازده برج افلاک<sup>(۱)</sup> اشاره کرده و در نموداری هر مقامی را به برجی مرتبط و آن را به گذشتگان نسبت می‌دهد. این دانشمند در بخشهای دیگر از تأثیر سیاره‌مریخ و کواکب سبعة و ارتباط مقام‌ها با آن سخن گفته<sup>(۲)</sup> و همچنین فصول و برجهای مناسب با مقام‌های موسیقی ایرانی را مشخص می‌سازد. برای مثال آمده؛ در فصل بهار که خورشید در برجهای حمل، ثور و جوزاست، چه باید نواخت و در فصل تابستان که خورشید در برجهای سرطان، اسد و سنبله است چه نغماتی به‌کار می‌رود و به‌همین صورت فصول و نغمات دیگر را

۱- بعضی از نوشته‌ها ابتکار ارتباط دوازده مقام موسیقی با دوازده برج را به افلاطون نسبت می‌دهند. از جمله در رسایل موسیقی سیف‌الدین غزنوی که یکی از رساله‌های دوره صفوی است اشاره دارد که افلاطون دوازده مقام را از دوازده برج و تأثیر آتش اخذ نموده و خاصیت و فایده آن را بر امراض مختلف تعیین کرده‌است.

۲- اگر مردم مجلس کوتاه قد سرخ چرده‌کیود چشم باشند باید نغماتی چند بنوازد که نسبت به مریخ داشته باشد چون ماهور و نهفت و کردانیه و نوروز خازا و مایه و ذوالحمس که شدی است در آلات طرب بنوازد و اگر بسیار بلند قد و سفید پوست باشند ماهور و حجاز خواند به حسب کواکب سبعة سیاره.

برمی شمرد.<sup>(۱)</sup> در جایی مردمان عطارذ طالع را وزیران، منشیان و مستوفیان معرفی کرده و نغماتی موافق با حال آنها معرفی می نماید.<sup>(۲)</sup> کیکاوس بن قابوس بن وشمگیر در قابوس نامه به موضوع حالهای وقتی، فصلی، یعنی بهاری، تابستانی، خزان و زمستانی اشاره و سرودهایی را مناسب آن توصیه می کند.

ابوعلی سینا موسیقی را جزیی از بدن دانسته و آن را از ستاره ارقنوع متأثر می داند<sup>(۳)</sup> و همچنین به ارتباط مقامهای موسیقی با کواکب و ستارگان و تأثیر آن در معالجه بیماران اشاره دارد. این دانشمند احتمالاً به علم ادوار و اثر ماه و کواکب بر جسم و روح انسان مطلع بوده و ارتباطهایی میان مقامهای موسیقی و بدن انسان استنباط می کرده است. اما باز نظرهای به جا مانده از ایشان نیز کلی و مبهم می باشد. ابن سینا معتقد است که طیب باید علم ادوار را بداند تا در تشخیص نبض کمتر خطا کند و جراحان باید از وجود ادوار ارقنوع که هر روز در عضوی است، آگاه باشند و سپس معالجه نمایند. برای مثال به جراح چشم توصیه می کند در روزی که ستاره ارقنوع و کواکب موسیقی در دماغ و حدقه چشم می باشد، دست از علاج

۱- بر ارباب نغمات این علم واجب است که بدانند که در هر فصل چه باید خواندن و نواختن که موجب فرح و شادی خلق الله باشد. فصل بهار چون طبیعت گرم و تر است و آفتاب در برج حمل و ثور و جوزا است در این فصل می باید که نغمات چند بنماید که دلیل این فصل باشد؛ چون عراق و مخالف و مایه و کردانیه و سلمک و شهناز و عجم و نوروز الاصل و ركب و ابیاتی خوانند که طبایع پرده های مذکور منسوب است به باد و مزاج باد به اینها نیکو مناسب دارد. فصل تموز، چون طبیعت تابستان تعلق به آتش دارد و شمس در سرطان و اسد و سنبله است می باید که پرده چند نماید که ذاتش گرم و خشک بود؛ چون مغلوب و زنگوله و اوج و کردانیه و ماهور و ركب و نیشابورک و پنجگاه خوانند. فصل خریف، که آفتاب در برج میزان و عقرب و قوس است می باید که نغماتی چند تقریر کند که طبعش مناسبت با خاک داشته باشد و سرد و خشک بود؛ چون عشاق و چهارگاه و بوسلیک و بزرگ و کوچک و نیریز و همال و عزال و حسینی و نیریز کبیر و مایه خوانند تا موجب تزیاید سودا نشود و ماده و اخلاط پدید آید. فصل زمستان طبعش سرد و تر است و مناسبت با آب دارد و آفتاب در این فصل در جدی و دلو و حوت است، می باید نغماتی چند خوانند و نماید که مستوجب آن گردد که خاطری در دریا مقاطر فیض مآثر ملوک و ابراء نامدار مسرور و مشعوف شود.

۲- اگر اهل مجلس مردمان عطارذ طالع باشند چون وزیران و منشیان و مستوفیان و مانند اینها باید که نغمات متوسط بنوازند چون غزال و ركب و سه گاه و عراق و نوروز اصل و اسپاهان.

۳- یعنی: گفت ابوعلی سینا ماضی به زبان عرب که: علم موسیقی جزیی است از بدن انسان که می گردد از دل و سینه تا ناف، گاه بالا می رود و گاه پایین دل می آید و از اول هر ماه تا سلخ هر روز در عضوی باشد از اعضاء رئیسه و همواره سیاره است با ستاره ارقنوع.

امراض عین، دندان، دماغ و جگر کوتاه دارد که محل خطر است.<sup>(۱)</sup>

«از شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا نقل است که در صبح اول، پرده رهاوی باید نواخت و صبح صادق پرده حسینی و چون آفتاب او نیز بلند شود پرده راست و در چاشتگاه پرده بوسلیک. و چون آفتاب به سمت راس رسد پرده زنگوله و پیشین‌گاه پرده عشاق و بین‌الصلوتین پرده حجاز و پسین‌گاه پرده عراق و در وقت آفتاب فرو شدن پرده اصفهان و شامگاه پرده نوا، بعد از نماز خفتن پرده بزرگ و بعد از آن فرو گذاشت کند و در وقت خفتن حریفان پرده مخالف بنوازد و اگر به خواب نرود و استدعای چیزی خواندن کنند از آواز، شهنواز بنوازد که او مخالف است و انقباضی در نفس پیدا کند و خواب آورد.»

(کنزالتحف، به نقل از سه رساله فارسی در موسیقی، فصل هشتم، ص ۱۲۴ و ۱۲۵)

«باید دانست که در هر وقت چه آهنگی باید خواند؛

وقت طلوع آفتاب: دوگاه و حسینی و سه‌گاه خواند.

و در وقت اضحی: برقع و چهارگاه و پنجگاه و نیریز خواند.

در وقت ظهر: دوگاه و نهاوندک و ماهور و کردانیه و غزال خواند.

وقت عصر: عشاق و نوا و بوسلیک و بزرگ و کوچک و کردانیه خواند.

وقت مغرب: حجاز و سلمک و مایه و بسته‌نگار و صفاهان خواند.

وقت عشاء: کردانیه و نیریز کبیر و رهاوی و همایون و نهفت خواند.

وقت خوابگاه: عراق و عشاق و راست خواند، که شجاعت بیفزاید و ...»

(صفی‌الدین ارموی، بهجت‌الروح ص ۸۱ و ۸۵)

به جز فصول و ماهها، ساعات روز نیز مورد توجه موسیقیدانان قدیم بوده است و

مقام‌هایی را برای هر ساعتی مناسب می‌دانسته‌اند برای مثال:

«در اوقات تغنی آواز هر چند اختلاف است، اما آنچه قدما اصلح دانسته‌اند و تجربه‌ها در این باب کرده‌اند، بدین تفصیل است که در جدول آتیه است. هر چند در این اوقات، این قاعده را

۱- و دیگر چندین مرض را حکما و فلاسفه از علم موسیقی و مقامات و پرده و نغمات غریبه موزون معالجه می‌کرده‌اند مثل دق و قولنج و ایلاوس و ذوستطاریا و تب صفاوی و شطرنجب. و چنانچه هر نغمه که باشد به نسبت کواکب سبعة تعلق به امراض مذکور دارد، در روزگار قدیم حکما علاج بیمار به آلات طرب می‌کرده‌اند. مناسب اوقات لیلی و نهاری در خانه خلوت مزین و روشن در نظر مریض ساز را به نوازش در می‌آورده‌اند تا این‌که به تدریج و مرور آن مرض به اسهل وجود بی‌مداوا و اشربه و اجزاء از بدن آن شخص زایل می‌شده است و در نسبت کواکب سبعة مذکور خواهد شد که هر ستاره به کدام نسبت دارد و چون معنی آواز برکشد صدا از عروق قلبی و شرابین و مسامات بدن استخراج شود و چون به حلقوم رسد از آن جا به گلیوس و کیموس رسیده نراکت و لطافت به هم رسیده بیرون آید و موجب حال شود و هر چند آواز ملایم کند حنجره‌اش منکوب شد. و در باب پنجم مذکور خواهد شد که آواز چون صاف می‌شود. (بهجت‌الروح ص ۳۲)

کلید ندانند و فی الواقع هر آوازی را که هر وقت سرایند به احسن صوتی موثر است الا این که در مقام خود به طریقی که حکما تعیین کرده اند خوانده شود، اثر آن زیادتیر خواهد بود. خاصه برای شخص مریض و غیره.

تعیین اوقات مذکور را در کتابی نوشته که نسبتش به ابی نصر فارابی دادانده. اما در بعضی از نسخ به طریقی دیگر اوقات سراییدن هر آوازی را ذکر کرده اند، نیز از قول حکما چنان که در این جدول است» (بحورالانوار تألیف فرصت شیرازی ص ۱۵)

#### تمایلات موسیقی در اوقات شبانه روز از نظر قدما

از صبح صادق تا طلوع	رهاوی	چون آفتاب رو به زردی آورد	عشاق
از طلوع تا یک پاس از روز رفته	حسینی	از شام تا یک پاس از شب رفته	زنگوله
در نیمروز	عراق	بعد از آن	حجاز
در وقت ظهر	راست	پس از آن	بزرگ
بعد از ظهر	کوچک	نیمه شب	نوا
عصر	بوسلیک	آخر شب	صفاهان

#### رابطه مایه های ردیف فعلی موسیقی ایرانی با ماهها

(نظریه جدید)

مایه های موسیقی به لحاظ فواصل فیزیکی خاص، دارای ارتعاشات دوره ای هستند که با توجه به الگوهای زمانی، تأثیرات ریتمیک و خاصی بر انسان می گذارند. این هماهنگی قابل بررسی و شناسایی است. در تجربیات شخصی خود رابطه چهار مایه اصلی ردیف موسیقی ایرانی با چهار دوره زمانی را شناسایی کردم، به طوری که در این نظریه توافق و همخوانی این چهار مایه با چهار دوره بسیار نزدیکتر از اوقات دیگر و همچنین درک و مطابقت این چهار مایه ها در ایام مخصوص خود بیش از مایه های دیگر یافتیم.

پیش از آن که به بیان این رابطه چهارگانه پردازم، لازم است ابتدا به الگوهای زمانی

چهارگانه‌ای اشاره کنم که الهام‌بخش این رابطه برای من بود.

اخترشناسان و طالع‌بینان قدیم به چهار گروه و دوره زمانی اشاره کرده‌اند که هر یک از این دوره‌ها (اوقات) حالت خاصی دارند. من این چهار دوره را دوره‌های سماوی نامیده‌ام که توالی ماههای آن با دوره‌های تقویمی تفاوت دارد.

همان‌طور که فیزیکدانان بر اساس گردش زمین به دور خورشید سال شمسی و براساس گردش ماه به دور زمین فصول و ماهها و دوره‌ها را محاسبه و سال را به دوازده‌ماه تقسیم کرده‌اند، اخترشناسان نیز بر اساس حرکت صور فلکی و خورشید و ستارگان و تأثیر آن بر سرنوشت و حالات انسانی، سال را به فصول و دوره‌هایی تقسیم نموده‌اند.<sup>(۱)</sup>

در سال چهار گروه سه‌تایی از ماهها، از نظر تأثیر و خاصیت ارتعاشی مشترک، شبیه به هم هستند و در واقع چهار فصل را می‌سازند که این چهار فصل با چهار فصل سال تقویمی از لحاظ ترتیب و توالی ماهها تفاوتی دارند. این فصول را به جهت تأثیر روانی و ارتعاشات مشترک فضایی، فصول سماوی نامیده‌ایم. (در این جا تأثیر صور فلکی مطرح بوده است و نه تأثیر آب و هوا)

۱- همان‌طور که پیش از این اشاره شد مباحث نجوم و رابطه برجها و ماههای سال با مزاجهای مختلف از جمله علایق فکری دانشمندان و فیلسوفان ایرانی بوده است. در این میان ابوریحان بیرونی جایگاه ویژه‌ای دارد. این دانشمند بزرگ ایرانی با بیش از پنجاه اختراع و ابتکار در زمینه‌های گوناگون علمی، در کتاب التفهیم باب پنجم مبحث جالب و زیبایی را در مورد نجوم و تأثیر ماههای مختلف بر زندگی انسان مطرح کرده است. ابوریحان بیرونی ماههای سال را در دو گروه ماههای گرم (فروردین، خرداد، مرداد، مهر، آذر، بهمن) و سرد (اردیبهشت، تیر، شهریور، آبان، دی، اسفند) تقسیم می‌کند. او برجهای گرم و خشک را منسوب به آتش و در بدن به خون و برجهای سرد را مربوط به زمین و در بدن به آب و بلغم منسوب می‌داند.

همچنین ابوریحان بیرونی ریخت‌شناسی خاصی از متولدین ماههای مختلف و حالات آنها ارائه می‌دهد و متولد هر برجی را مستعد بیماری خاصی می‌داند. این موضوعی است که اخیراً دانش روان‌پزشکی به آن توجه جدی یافته است و در پی یافتن الگوهای خاصی از زمان تولد و ارتباط آن با بیماریهای روان‌پریشی است. و در این خصوص تحقیقات جالبی انجام گرفته و نتایجی نیز کسب شده است.

ابوریحان بیرونی به نکات ظریفتر دیگری نیز می‌پردازد و تأثیر ماهها را با شغلها و همچنین وضعیت جغرافیایی و مکانها مورد بررسی قرار می‌دهد. در هر صورت تأثیر گردش زمان در شکل ماهها که امروزه به صورت موضوع مورد علاقه مردم رایج است گذشته قوی دارد. در حال حاضر خوشبختانه متخصصان علوم پزشکی و خصوصاً روان‌پزشکی در پی کشف این روابط و تأثیر آنها، پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند که هرکدام جزئی از رمز و راز این دانش معنوی و ناشناخته را روشن می‌سازد.



هر فصل سماوی سه ماه دارد که ترتیب آنها به شرح زیر است:

ماه‌های فروردین، مرداد و آذر، فصل تابستان سماوی را می‌سازند که از لحاظ برانگیختگی عاطفی و ارتعاشات، همسو و هماهنگ بوده و تأثیر درونی مشابهی بر خلق و خوی آدمی می‌گذارند. ماه‌های اردیبهشت، شهریور و دی، فصل زمستان سماوی و ماه‌های خرداد، مهر و بهمن نیز فصل بهار سماوی را می‌سازند. ماه‌های تیر، آبان و اسفند تشکیل دهنده پاییز سماوی هستند که هر سه ماه در گروه خود ارتعاشات عاطفی مشابهی را در روحیه‌ها منتشر می‌کنند.

در یک تجربه درون‌نگری چند ساله در کنار بررسی رابطه ماه‌ها با حالات روان‌شناسی تاثیر مایه‌های مختلف موسیقی ایرانی را در زمانهای مختلف مطالعه و الگوهای زمانی آن را نیز مرور کردم. به‌طور کلی با استنباط از نظر اخترشناسان درک کردم که هر فصل سماوی دارای یک نوع تأثیر و احساس غالب است. برای مثال فصل بهار سماوی (ماه‌های خرداد، مهر، بهمن) ارتعاشی متعادل، آرام و متین داشته و با حساسیت کمی همراه است. در مقابل فصل تابستان سماوی (ماه‌های فروردین، مرداد، آذر) احساس سرزندگی نشاط و خوش‌بینی را منتقل می‌سازد. فصل پاییز سماوی (ماه‌های تیر، آبان، اسفند) حالت دلدادگی، خیال‌پردازی، عاشقی و شیدایی را به انسان القا کرده و فصل زمستان سماوی (ماه‌های اردیبهشت، شهریور، دی ماه) احساس حساسیت، جدیت، دقت و روحیه وسواسی را منتشر می‌سازد.

و اما ادراک درونی اینجانب پس از تعمق موسیقایی از رابطه چهار مایه بنیادی موسیقی ایرانی با چهار فصل سماوی به این شرح است که مایه‌های چهارگانه با تابستان سماوی (فروردین، مرداد، آذر) که مولد نشاط و سرخوشی است و مایه‌های شور با زمستان سماوی (اردیبهشت، شهریور، دی) که مولد جدیت و نکته‌بینی است، رابطه دارد. مایه‌های مهور نیز با بهار سماوی هم‌نوا و موجد حالت تعادل و توازن است و مایه همایون با پاییز سماوی که مولد دلدادگی و عشق و عاشقی و همان روحیه شیدایی است، همخوانی دارد. به‌نظر نگارنده این استنباط و دریافت درونی در حد یک نظریه جای تفحص و تفکر دارد.

این تئوری حتی می‌تواند پایه تجربی یک تحقیق نظام دار و آماری را بنا نهاد. در هر صورت باز سازی این اندیشه قوی و کهن برای دستیابی به معیارها و تناسبهای جدید ضروری است. در واقع با آزمایش تجربی می‌توان حد و افق این ادراکات الهامی و درونی را مشخص کرد و به برداشت دقیقتری دست یافت.

چکیده مطالب این بخش در جدول این صفحه با توضیحات کلیدی مرتبط با آن، آورده شده است.

جدول هماهنگی زمانی مایه‌های فعلی ردیف موسیقی ایرانی  
با ماههای سال شمسی

ماه‌ها	مایه‌های دستگاه	حالت‌های عاطفی و روانی (محرک عاطفی)
فروردین مرداد آذر	چهارگاه	سرخوشی، نشاط، تحرک و انبساط روانی
اردیبهشت شهریور دی	شور افشاری (اردیبهشت) سه‌گاه (دی)	حزن و اندوه، حساسیت، جزء‌نگری، احساس فقدان
خرداد مهر بهمن	ماهور	آرامش، ملایمت، اعتدال
تیر آبان اسفند	همایون	احساسات شیداگونه، اندوه و تمناهای عاشقانه، وجد و ادوارخویی

### نکات مهم و قابل توجه در توجیه جدول

۱- شروع احساس هر مایه حدوداً از روزهای دوم - سوم و حداکثر تا روز هشتم ماه آغاز می‌شود. این فاصله پنج، شش روزه دوره "تعادل‌جویی" برای هماهنگی و وحدت در نوسانات و تغییرات امواج سماوی با احساس آدمی است.

۲- گوشه‌ها و مایه‌هایی از دستگاه‌های اشاره شده مد نظر است که واجد فواصل فیزیکی اصلی آن دستگاه است. برای مثال در دستگاه ماهور گوشه‌هایی چون شکسته و دلکش، مایه اصلی ماهور را ندارند و بیشتر به شور و احساس آن گرایش دارند. همین‌طور در چهارگاه و راست‌پنجگاه و دستگاه‌های دیگر گوشه‌هایی متفاوت از فواصل اصلی وجود دارد. بنابراین نوازنده و شنونده باید در زمان‌یابی مایه‌ها به گوشه‌ها و قطعاتی بپردازد که دقیقاً فواصل اصلی مایه را دارند، البته در هنگام نواختن می‌توان به گوشه‌های دیگر رفت و گذری داشت اما باید مایه اصلی غالب و تأثیر آن بارز باشد.

۳- مایه‌های دستگاه سه‌گاه و نوا به علت داشتن فواصل مشترک با دستگاه شور و احساسات نسبتاً مشابه در یک طبقه قرار دارند.

۴- این تقسیم‌بندی اساساً گرایش اصلی مایه‌ها را در ماههای فوق‌الذکر نشان می‌دهد که بیشترین توافق احساس آدمی را با ارتعاشات سماوی و فواصل موسیقی ایرانی دارد. بدیهی است که می‌توان هر مایه‌ای را در هر ماهی نواخت و یا شنید و از آن لذت برد اما وقتی صحبت از طبیعی‌ترین توافق روانی و بیشترین وحدت و گرایش درونی مطرح است، روابط موجود که در بالا به آن اشاره شد در یک درون‌نگری خالص کاملاً می‌تواند حس شود. آشنایی و آگاهی به این هماهنگی زمانی، برای استفاده موسیقیدانان و برنامه‌ریزان موسیقایی کشور بسیار مفید است.

۵- هر یک از مایه‌ها در ماه خود با تغییر در سرعت و شدت ضرباهنگ و تحرک و تنوع ملودیک می‌تواند احساس متنوع از حزن تا نشاط و از رکود تا تحرک را ایجاد کند و این تنوع و هماهنگی قابلیت مفیدی برای ایجاد احساسات گوناگون مناسب با زمان خود است.

۶- نوازنده و موسیقیدان در هنگام زمان‌یابی مایه‌ها گاهی به دلیل مشغله‌های ذهنی

پراکنده باید از احساسات گذرا و سطحی عبور کرده تا به عمق واقعی و احساس اصیل درونی و ناخودآگاه خود دست یابد. احساسی که ارتباط ثابت، عمیق و ناخودآگاه با فضا و زمان دارد.

### توضیح سه نکته اساسی

از مواردی که در فوق اشاره شد سه نکته اساسی آن نیاز به توضیح بیشتر دارد تا دقت و درک نوازنده و شنونده موسیقی را برای درک بهتر در فهم زمانی مایه‌های موسیقی ایرانی کمک کند.

#### ۱- درک تفاوت‌های فردی در واکنش به موسیقی

در هر حالت ذهنی و مکانیزم مغزی که باشیم<sup>(۱)</sup>، ارتعاشات فیزیکی زمان (فضا) در وجود ما جاری است و تاروپود ضمیر باطن و سلولهای عصبی را به ترنم درآورده و حالت دلنشینی از وحدت و هماهنگی با محیط را در روح می‌نوازد. یعنی ما بدون آن‌که بدانیم در ترنم موسیقی فضا جاری هستیم و ارتعاشات موزون و ادواری گردش زمان، احساس ما را می‌نوازد. این بسته به درک و حساسیت ماست که چه مقدار از این ترنم و ریتم درونی را حس کرده و یا نسبت به آن بی تفاوت باشیم.

نوازنده باید به این نکته توجه داشته باشد که تأثیرپذیری موسیقایی و ارتعاشی افراد به سبب ژنتیک و ساختار مغزی متفاوت و شدت و ضعف ادراک فرق دارد. از این رو، مایه‌های سه‌گانه که متناسب با دی‌ماه است، در افرادی که به سبب شرایط روحی، مستعد اندوه و یا حساسیت هستند، با شدت بیشتر و در افرادی که متعادل و یا مستعد نشاط و یا سرخوشی هستند، تأثیر کمتری می‌گذارد. و یا ارتعاشات آذر ماه که مستعد برانگیختن مایه‌های

۱- مکانیزم مغزی و ظرفیت ژنتیک، استعدادها و حواس را می‌سازد و عامل اصلی تفاوت‌های فردی است. آستانه تحریک و حساسیت حواس در افراد مختلف است. به همین خاطر در مقابل رویدادهای مختلف عکس‌العملها متفاوت می‌باشد. تحریکات هنری و عاطفی نیز در افراد تأثیر متفاوتی دارد. قطعه‌ای از موسیقی می‌تواند فردی را چنان به وجد آورد که هورمونهای بدن و سلولهای عصبی او به شدت تحریک شوند، اما در شخص دیگر چندان تأثیری نگذارد. طبیعی است عواملی چون عادت و اطلاعات نیز در درک بیشتر و حساسیت بسیار موثر هستند، در عین حال ماهیت استعدادهای مغزی کمتر از آن نیست.

چهارگاهی است بر فردی که به سبب روحیه، خموده است تأثیر کمتر و بر فردی که طبع سرخوش و سرحال دارد تأثیر بیشتری می‌گذارد.

## ۲- هر نغمه و دستگاه مولد حالات گوناگون است

نکته دوم این‌که هر دستگاه و نغمه‌ای، در ماه خود می‌تواند احساسهای گوناگون را در بستر خود با جنس و حالت مخصوص خود ایجاد کند؛ از غم و شادی تا آرامش و تحریک. برای مثال در ماهی که سه‌گاه و شور بستر ارتعاشات عاطفی انسان - فضاست، مایه‌ها و نغمه‌های آن دستگاه می‌تواند شادی و نشاط یا حزن و اندوه مناسب آن زمان را ایجاد کنند. چون در هر زمانی رنگ و بوی حزن و شادی فرق دارد و هر مایه‌ای نیز حزن و شادی خاص مناسب همان وقت را به وجود می‌آورد. بنابراین مهم است که در هر زمانی نغمه‌های دستگاهی را بنوازیم که متناسب با آن وقت باشد.

ممکن است تصور شود که چون سه‌گاه تم حزین دارد، پس نمی‌تواند نشاط و شادمانی به وجود آورد. اما نشاط و شادمانی که بر اساس ریتم‌گردش‌های گوناگون این دستگاه ایجاد می‌شود، مناسبت خاصی با زمان و رنگ و بوی سه‌گاهی دارد و تأثیر به موقع می‌گذارد. از این رو نباید توقع داشت که فقط با چهارگاه و ماهور تحریک و نشاط و شادمانی به وجود آید. هر فصلی حالت و تأثیر خاص خود را دارد، سرما و برف و باران برازنده زیبایی و حال و احوال زمستان است. اما در همین زمستان میل به فعالیت و تفریح به گونه‌ای است و گرما و نشاط در آن امکان پذیر است و در تابستان به گونه‌ای دیگر. در مورد موسیقی نیز باید وقت را در هر فصلی بشناسیم و براساس آن، هماهنگ با حال به مایگی رجوع کنیم و بدانیم که هر ماهی متناسب با حال خود نغماتی را با رنگ و بوی خاص در خود دارد. در چنین صورتی تعادل و رضایت درونی به دست می‌آید. بنابراین این تصور که دستگاه خاصی مختص شادی و دستگاه دیگر مربوط به اندوه و دستگاهی عاشقانه و مولد وجد و جذبه است، تعریف پویا و هماهنگ با سیر و تحول زمان نیست، بلکه غم و شادی و عشق و دلدادگی در هر ایامی رنگ و بوی خاصی دارد و هر دستگاهی در زمان خود متناسب با حال می‌تواند شور و نشاط و وجد و جذبه را نیز ایجاد کند. برای مثال وجد و جذبه در ماههای چهارگاهی و همایونی با

دلدادگی و سرخوشی و احساس فراق توأم و در ایام شور و سه‌گاه با حالتی از تألم و فراق همراه است. به‌هرحال هر دو در وقت خود توانایی ایجاد احساس اوج و حسیض در شادمانی و غم مناسب زمان خود را دارند. به این وسیله می‌توان حالات متنوع را با رنگ و بویی که متناسب با زمان است پدید آورد.

### ۳- درک عواطف گذرا و مداوم

گاهی به سبب تأثیرات محیطی و فعالیتهای زندگی روزمره، حالت‌های گذرا و گوناگون پیش می‌آید که دوام و عمق چندانی ندارد. با شنیدن ترنم سازها و نواهای مختلف، این احساسات تخلیه می‌شود و به احساس مایگی اصلی و پایداری که با حال و زمان توافق دارد، مبدل می‌گردد. از این رو نوازنده باید احساس غالب و اصلی خود را از لابه‌لای تأثرات گذرا و تمنیات متفرق پیدا کرده و به احساس ناب و خالص درونی نزدیک شود. البته برای رسیدن به احساس خالص و غالب درونی لازم است همه احساسهای سطحی و موقتی که به ذهن سرک می‌کشند، اقناع شود تا رضایت و آمادگی برای رسیدن به متن اصلی ضمیر باطن فراهم گردد. معمولاً صبح زود احساس اولیه انسان خالص است و زمزمه درونی سریعتر و مستقیم‌تر به روحیه و احساس اصلی می‌رسد. در اواسط روز و در بحبوحه کارهای گوناگون احساسهای متنوعی پدید می‌آید که تخلیه و ارضای آنها از طریق فعالیت و پاسخگویی و همچنین استراحت و ارتباط موسیقیایی ممکن است.

برای ایجاد نغمه مناسب و ورود به احساس مطابق شرایط درونی و بیرونی، باید فضای احساسی را برای دقایقی آرام و راحت نگه داشت، تا ذهن از حالت فشار کارها، صحبتها، خیال‌ها و هیجان‌های متفرقه بیرون بیاید. تمرکز و آرامش ساده روانی، کمک می‌کند تا از هیجان دیگر امور بکاهیم و با آمادگی بیشتر به حس درونی متوجه شویم. در موقع شروع جلسات هیجانی، بهتر است قبل از نواختن، همچون شروع دیگر امور ذهنی و فکری، آرامش و درون‌نگری را ثبات بخشیم و سپس نغمات و الحان متناسب احساس درونی را پرورش و گسترش دهیم.

هنگام خستگی در اثر کار و فعالیت، به‌علت ترشح مواد و سموم در اعضا، بدن بیشتر از

هر چیز به استراحت نیاز دارد. گاهی نواختن ذهن را خسته می‌کند، در چنین وضعی تنها شنیدن ملودیه‌های کاملاً آرام و یکنواخت است که مناسب می‌باشد. ممکن است نواختن و شنیدن موسیقی در هنگام خستگی بدن، ظاهراً انرژی فیزیکی را فعال سازد، اما پس از اندکی فروکش می‌کند و خستگی افزایش می‌یابد. به همین دلیل تأکید داریم که هرکس باید از وضعیت کلی انرژی درونی و میزان خستگی‌پذیری خود برآوردی داشته باشد و در هنگام تمرین حد خود را بشناسد و افراط نکند. اگرچه ساز و آواز همدل و مونس آدمی و نوعی راز و نیاز با تمایلات درونی به‌شمار می‌آید، ولیکن نواختن و خواندن همیشه پاسخگوی دل‌گرفتگی و یا حالت بی‌حوصلگی و دل‌تنگی نیست. وقتی بدن و روان به ارتعاشها و امواج و عناصر صوتی نیاز نداشته باشد، استفاده از آن ضرورتی ندارد. در بسیاری از مواقع یک تفریح ساده مانند هم‌صحبتی با دوستان و پیاده‌روی بسیار موثرتر از موسیقی است و در مواقعی نیز شنیدن موسیقی عالی‌ترین تفریح و استراحت درونی می‌باشد. هر هنری به موقع و ضرورت خود رضایت و اقیاناع درونی را فراهم می‌سازد و نه در همه وقت.